



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

نقش دادگاه ویژه سیرالتون در مبارزه با بی کیفی

استاد راهنما:

دکتر امیرحسین رنجبریان

استاد مشاور:

دکتر سید علی آزمایش

استاد داور:

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی

نگارنده:

مهدیه ملک الکتاب خیابانی

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین الملل

نیمسال اول سال تحصیلی:

۱۳۸۸-۱۳۸۹



می سرایم این سرود سبز را

با شمایم ای شهیدان نهفته زیر خاک !

با شمایم رادمردان ، قهرمانان شجاع خفته پاک !

بشنو تو ای جان شیرین ذخیره در زمین !

بشنو ای فریادرس ، موعود ما !

یاری گرانت کن گسیل،

بر سر و بازوی فرزندان ایرانم بیار ای روح پاک.

بی گمان پیروشان کن در دل این مرز و خاک.

تقدیم به تمامی رادمردان تاریخ ایران...

و

تقدیم به اساتید و پدر و مادر فداکار و مهربانم

که امید زندگی ام هستند.

پیشگفتار

پروردگارا! مرا بینشی عطا فرما تا تو را بشناسم و دانشی عطا فرما که خود را بشناسم،
مرا نیرویی عطا فرما تا در نبرد زندگی فائق شوم و همتی عطا فرما که گناه نکنم،
مرا صبری عطا فرما تا سختی را تحمل کنم و سعادتت عطا فرما که خدمتگزار خلق باشم،
مرا عقلی عطا فرما تا از خود نگویم و معنویتت عطا فرما که زندگیم معنایی داشته باشد،
و عشقی عطا فرما تا تو و همه را دوست بدارم.

از استاد گرامی دکتر امیرحسین رنجبریان که راهنمایی پایان نامه بنده را برعهده گرفتند و
با رهنمودهای ارزنده و بردبارانه خود مرا ارشاد نمودند بی نهایت سپاسگزارم و از دکتر
سید علی آزمایش که به عنوان استاد مشاور مرا از انوار پرفروغ علم و حکمتشان بهره مند
ساختند بی نهایت قدردانم. همچنین مراتب سپاس خود را از دکتر محمدرضا ضیایی
بیگدلی بخاطر قبول داوری این پایان نامه عرضه می دارم. شایسته است تا از استاد راهنمای
پیشین این پایان نامه دکتر مهریار داشاب که هفت سال از عمر شریف خود را صرف علم
آموزی به دانشجویان این مرز و بوم نموده بودند ولیکن به ناحق مجبور به ترک دانشگاه
شدند، تشکر نمایم.

از تمامی کارمندان محترم کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی علامه طباطبایی و
کتابخانه پژوهشهای حقوقی و سایر مراکز علمی که اینجانب را در جمع آوری منابع یاری
رساندند سپاسگزارم.

باشد که همیشه چراغ زندگی و علم این عزیزان چون خورشیدی تابناک روشنگر راه
طالبان علم و حقیقت در ایران زمین باشد.

چکیده

ناتوانی جامعه‌ی بین‌المللی در برخورد با نقض حقوق بشر دوستانه در اقصی نقاط جهان علی‌الخصوص پس از جنگ جهانی دوم، موجب شده تا بسیاری از کشورهای قربانی جنایات بین‌المللی با تشریک مساعی سازمان ملل متحد و به منظور مقابله با پدیده بی‌کیفری، دست به تأسیس نسل‌جدیدی از دادگاه‌های کیفری تحت عنوان دادگاه‌های مختلط بزنند و دادگاه‌هایی را با ترکیب مختلطی از قضات و قوانین ملی و بین‌المللی در کشورهای کامبوج، تیمور شرقی، کوزوو و من جمله سیرالئون برپا نمایند.

در این میان دادگاه ویژه سیرالئون در سال ۲۰۰۲ با ترکیب مختلطی از قضات و قوانین ملی و بین‌المللی آغاز به کار کرد و تاکنون نیز موفق به صدور احکام قطعی متعددی علیه جنایتکارانی گردید که طی ده سال جنگ داخلی مرتکب نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه شده بودند. ضمن اینکه در برخورد با موانع بی‌کیفری از جمله مصونیت و عفو جنایتکاران بین‌المللی گام‌های شایسته‌ای نیز برداشت، لذا در این رساله ابتدا با بررسی مختصر علل تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری بخصوص دادگاه‌های مختلط کیفری و مبنای حقوقی آنها، به تشریح روند شکل‌گیری دادگاه ویژه سیرالئون و اقدامات این دادگاه در مبارزه با بی‌کیفری می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه‌های مختلط، کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی، مبارزه با بی‌کیفری، مسئولیت کیفری بین‌المللی، مصونیت، عفو، ژنوسید، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۱.....
بخش اول: مبانی تشکیل دادگاه ویژه سیرالنون	
مبحث اول: کلیات.....	
گفتار اول: مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین الملل.....	
الف) اصل مسئولیت بین المللی کیفری فردی.....	۷.....
ب) مسئولیت بین المللی کیفری فردی در معاهدات.....	۱۰.....
ج) مسئولیت کیفری فردی مسئولان رده بالا در دادگاه های بین المللی کیفری.....	۱۲.....
بند ۱- مسئولیت کیفری فردی در دادگاه های بین المللی نظامی نورمبرگ و توکیو.....	۱۲.....
بند ۲- مسئولیت کیفری فردی در دادگاه های یوگسلاوی سابق و روآندا.....	۱۳.....
بند ۳- مسئولیت کیفری فردی در دیوان بین المللی کیفری.....	۱۴.....
گفتار دوم: تشکیل دادگاه های بین المللی کیفری برای مبارزه با بی کیفری.....	
الف) مفهوم قانونی بودن دادگاه های بین المللی کیفری.....	۱۵.....
ب) مبانی حقوقی محاکم بین المللی کیفری.....	۱۸.....
بند ۱- دادگاه های بین المللی نظامی نورمبرگ و توکیو.....	۲۰.....
بند ۲- دادگاه های بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق و روآندا.....	۲۱.....
بند ۳- دیوان بین المللی کیفری.....	۲۴.....
گفتار سوم: جایگاه دادگاه های مختلط.....	
الف) شعب فوق العاده در دادگاه های کامبوج.....	۲۸.....
ب) دادگاه های کوزوو.....	۲۹.....
ج) هیأت های ویژه جنایات جدی در تیمور شرقی.....	۳۱.....
د) دادگاه ویژه لبنان.....	۳۴.....
گفتار چهارم: فلسفه تشکیل دادگاه های مختلط.....	
الف) هدف از تشکیل دادگاه های مختلط.....	۳۸.....
ب) عوامل تعیین کننده اهداف دادگاه های مختلط.....	۴۰.....
ج) علت تشکیل دادگاه های مختلط.....	۴۱.....
د) مشکلات دادگاه های مختلط.....	۴۲.....
مبحث دوم: چگونگی شکل گیری دادگاه ویژه سیرالنون.....	
گفتار اول: مخاصمه مسلحانه داخلی در سیرالنون.....	
الف) وضعیت جغرافیایی و سیاسی کشور سیرالنون.....	۴۶.....
ب) عوامل تعیین کننده اهداف دادگاه های مختلط.....	۴۷.....
ج) علت تشکیل دادگاه های مختلط.....	۵۰.....
د) مشکلات دادگاه های مختلط.....	۵۳.....

ب) علت مخاصمه مسلحانه داخلی در سیرالتون.....	۵۵
ج) مشروعیت مداخله ی جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی.....	۶۱
د) انعقاد موافقتنامه صلح لومه.....	۶۴
بند ۱- تأسیس کمیسیون حقیقت یاب و آشتی.....	۶۶
بند ۲- انواع صلاحیت کمیسیون حقیقت یاب و آشتی.....	۶۸
۱- ۲ صلاحیت زمانی.....	۶۸
۲- ۲ صلاحیت سرزمینی.....	۶۸
۳- ۲ صلاحیت شخصی.....	۶۹
۴- ۲ صلاحیت موضوعی.....	۶۹
گفتار دوم: اقدام برای تشکیل دادگاه ویژه سیرالتون.....	۷۰
الف) اقدامات دولت سیرالتون.....	۷۰
ب) اقدامات شورای امنیت.....	۷۱
ج) نقش مداخله کنندگان در ایجاد دادگاه ویژه سیرالتون.....	۷۲
بند ۱- ایالات متحده آمریکا.....	۷۲
بند ۲- سازمانهای محلی و بین المللی غیر دولتی.....	۷۳
د) انعقاد موافقتنامه تأسیس دادگاه ویژه سیرالتون.....	۷۴
بند ۱- مبنای حقوقی دادگاه ویژه سیرالتون.....	۷۶
بند ۲- ساختار حقوقی دادگاه ویژه سیرالتون.....	۸۰

بخش دوم: صلاحیت و عملکرد دادگاه ویژه سیرالتون

مبحث اول: صلاحیت ها.....	۸۳
گفتار اول: صلاحیت های قضایی دادگاه های مختلط.....	۸۳
الف) صلاحیت زمانی.....	۸۴
ب) صلاحیت شخصی.....	۸۵
ج) صلاحیت سرزمینی.....	۸۵
د) صلاحیت موضوعی.....	۸۶
بند ۱- ژنوسید.....	۸۶
بند ۲- جنایات علیه بشریت.....	۸۶
بند ۳- جنایات جنگی.....	۸۷
بند ۴- جنایات بین المللی دیگر.....	۸۸
بند ۵- جنایات موضوع قوانین داخلی.....	۸۸

- گفتار دوم: صلاحیت های قضایی دادگاه ویژه سیرالتون..... ۸۹
- الف) صلاحیت زمانی..... ۹۰
- ب) صلاحیت سرزمینی..... ۹۲
- ج) صلاحیت شخصی..... ۹۲
- د) صلاحیت موضوعی..... ۹۶
- بند ۱- ماده ۲ اساسنامه جنایات علیه بشریت..... ۹۷
- بند ۲- مواد ۳ و ۴ اساسنامه جنایات جنگی..... ۹۸
- بند ۳- ماده ۵ اساسنامه جنایات پیش بینی شده تحت حقوق سیرالتون..... ۱۰۰
- بند ۴- عدم درج جنایت ژنوسید در اساسنامه در اساسنامه دادگاه ویژه..... ۱۰۱
- گفتار سوم: ارتباط دادگاه ویژه سیرالتون با سایر اشخاص حقوقی..... ۱۰۲
- الف) رابطه ی دادگاه ویژه سیرالتون با کمیسیون حقیقت یاب و آشتی..... ۱۰۲
- بند ۱- عدم الزام کمیسیون حقیقت یاب و آشتی به همکاری با دادگاه ویژه سیرالتون..... ۱۰۵
- ب) رابطه ی طرفهای ثالث با دادگاه ویژه سیرالتون..... ۱۰۹
- بند ۱- عدم الزام طرفهای ثالث به همکاری با دادگاه ویژه سیرالتون..... ۱۱۱
- ج) تعامل صلاحیت دادگاه ویژه با دادگاههای ملی سیرالتون..... ۱۱۳
- مبحث دوم: اقدامات دادگاه ویژه سیرالتون در برخورد با نقض حقوق بشر دوستانه... ۱۱۸
- گفتار اول: مبارزه با بی کیفری در سیرالتون..... ۱۱۸
- الف) مفهوم مبارزه با بی کیفری..... ۱۱۹
- ب) مبارزه با بی کیفری در حقوق بین الملل..... ۱۲۰
- ج) سازمان ملل متحد و مبارزه با بی کیفری..... ۱۲۲
- د) موانع مبارزه با بی کیفری..... ۱۲۴
- گفتار دوم: عدم پذیرش عفو در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالتون..... ۱۲۴
- الف) تعاریف عفو عمومی و خصوصی..... ۱۲۵
- ب) عفو در حقوق بین الملل..... ۱۲۶
- ج) عفو در معاهدات و اساسنامه های دادگاه های بین المللی..... ۱۲۷
- د) عدم مشروعیت عفو اعطایی موافقتنامه صلح لومه در دادگاه ویژه سیرالتون..... ۱۳۲
- گفتار سوم: عدم پذیرش مصونیت کیفری در دادگاه ویژه سیرالتون..... ۱۳۵
- الف) انواع مصونیت..... ۱۳۶
- بند ۱- مصونیت شغلی..... ۱۳۶

بند ۲-مصونیت شخصی.....	۱۳۷
ب) مصونیت کیفری در اساسنامه های دادگاههای بین المللی کیفری.....	۱۳۷
ج) عدم مشروعیت مصونیت در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.....	۱۴۰
بند ۱) مصونیت چارلز تیلور.....	۱۴۱
گفتار چهارم: ضرورت سزادهی مسئولین به ارتکاب جنایات در سیرالئون.....	۱۴۵
الف) محاکمه ی رهبران شورشی جبهه ی متحد انقلابی.....	۱۴۷
ب) محاکمه ی رهبران شورای انقلابی نیروهای نظامی.....	۱۵۰
ج) محاکمه ی رهبران نیروهای دفاعی غیرنظامی.....	۱۵۲
د) محاکمه ی چارلز تیلور.....	۱۵۴
ه) محاکمه ی جنایات سرباز گیری کودکان و ازدواج اجباری در دادگاه ویژه سیرالئون.....	۱۵۶
بند ۱- محاکمه ی مسئولین به ارتکاب جنایت سرباز گیری کودکان.....	۱۵۶
بند ۲- محاکمه ی مسئولین به ارتکاب جنایت ازدواج اجباری.....	۱۵۸
نتیجه گیری.....	۱۶۲
فهرست منابع.....	۱۷۰

مقدمه

طی دهه های گذشته برای برخورد با عاملان نقض های حقوق بشری تلاش های فراوان و چشمگیری صورت گرفته است. از زمان برپایی کنفرانس های صلح لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تا تأسیس سازمان ملل متحد و ایجاد دادگاه های بین المللی کیفری، جامعه ی جهانی شاهد توسعه حقوق بین الملل کیفری، حقوق بشر، حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق مسئولیت بین المللی به منظور احیاء توأمان صلح و عدالت در جهان می باشد. وقوع مخاصمات مسلحانه ملی در چند سال اخیر همراه با ارتکاب ددمنشانه ترین جنایات ضد بشری سبب شد تا جامعه ی بین المللی بالاخص سازمان ملل متحد در پاسخ به این اعمال و بی کیفر نماندن عاملین جنایات، با تشریک مساعی کشور قربانی، نسل جدیدی ازدادگاه های بین المللی کیفری را تحت عنوان دادگاه های مختلط که ترکیبی از عناصر ملی و بین المللی هستند، ایجاد نمایند.

با رو به تزاید گذاشتن مخاصمات مسلحانه ملی و بین المللی در یک قرن گذشته و نیز فقدان ضمانت اجراهای کیفری در برخورد با جنایتکاران جنگی، جامعه ی بین المللی عزم خود را جزم نمود تا محاکم بین المللی کیفری را با هدف به محاکمه کشاندن عاملین جنایات بر پا نماید.^۱ به همین منظور پس از جنگ جهانی دوم اولین نسل از محاکم بین المللی کیفری توسط فاتحان جنگ موسوم به دادگاه های بین المللی نظامی نورمبرگ و توکیو در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ تأسیس شدند.^۲

با وجود انتقادات بسیاری که به مبنای حقوقی تأسیس این دو دادگاه وارد شده است، هر دو آنها زمینه توسعه حقوق بین الملل کیفری و تأسیس نسلهای آتی دادگاه های مشابه را بوجود آوردند و با آراء خود نه تنها بر قواعد بین المللی عرفی جنگ صحه گذاردند، بلکه در سالهای پس از تأسیس سازمان ملل متحد، زمینه تدوین قواعد مربوط به مخاصمات مسلحانه را در قالب معاهدات و کنوانسیون های بین المللی، فراهم کردند.^۳ در اوایل دهه ی نود نیز به دنبال جنگهای داخلی در یوگسلاوی و روآندا شورای امنیت ملل متحد با الگو برداری از اصول حقوق بین الملل کیفری مندرج در اساسنامه و آراء محاکم نسل اول یعنی دادگاه های نورمبرگ و توکیو رأساً به موجب قطعنامه های فصل هفتم منشور، اقدام به تشکیل دومین نسل از دادگاه های بین المللی کیفری، یعنی دادگاه های یوگسلاوی سابق و روآندا به عنوان ارکان فرعی شورای امنیت نمود.^۴

به محض تأسیس این محاکم انتظار می رفت که دیگر جهان شاهد ارتکاب جنایات بین المللی و تکرار پدیده بی کیفری نباشد، لیکن به دلیل افزایش روز افزون مخاصمات داخلی در اقصی نقاط دنیا،

^۱ جمشید ممتاز، «تدوین و توسعه حقوق بین الملل کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، از پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴، ص ۱۵۸.

^۲ رضا فیوضی، «دادگاه نورمبرگ پس از چهل سال»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۶۷صص ۱۴۲-۱۴۰.

^۳ علی حسین نجفی ابرندآبادی، «مسئولیت کیفری بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴، ص ۱۷۹.

^۴ رضا فیوضی، حقوق بین الملل کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۲۸۳-۲۸۲ و ۳۶۰.

وقوع پدیده بی کیفی رو به تزاید گذاشت. از طرف دیگر سیل انتقادات به عدم صلاحیت شورای امنیت از بدو تأسیس دادگاه های نسل دوم و همچنین تحلیل رفتن منابع وامکانات سازمان ملل متحد به دلیل طولانی شدن روند رسیدگی به جنایات در محاکم مزبور، مسئولیت سنگینی بر دوش این رکن گذاشته شد. در نتیجه سازمان ملل نیز با مشاهده این وضعیت و در واکنش به ارتکاب جنایات مشابه، تا مدتها عکس العملی از خود نشان نداد و به تعبیری دچار سر خوردگی و رخوت در دیوان سازی شد. لیکن پس از مدتی، سازمان ملل بخصوص شورای امنیت در برابر حوادثی که در سیرالئون، کامبوج، تیمور شرقی و کوزوو رخ داد به ناچار سکوت خود را شکست و در پاسخ به جنایات ارتكابی در این کشورها با صدور قطعنامه های متعدد، اعمال جنایتکاران را محکوم نمود.^۵ اما این بار سازمان ملل متحد برخلاف گذشته و بنا به درخواست کشورهای قربانی دست به ابتکار نوینی زد و با کمک کشورهای مزبور دادگاه هایی با ماهیت مختلط و دو گانه ملی و بین المللی بنا نهادند.^۶

لذا از سال ۲۰۰۰ و طی ۸ ماه، چهار دادگاه مختلط براساس موافقتنامه های دو جانبه میان سازمان ملل و برخی کشورها از جمله سیرالئون، کامبوج، تیمور شرقی و کوزوو تأسیس شدند و بلافاصله فعالیت خود را آغاز کردند که تاکنون ادامه دارد.^۷ به نظر می رسد که یکی از علل اصلی تشکیل دادگاه های مذکور ناتوانی سیاسی و اقتصادی کشور محل وقوع جنایات و یا بی طرفانه نبودن محاکم ملی در محاکمه نمودن متهمان اصلی جنایات باشد، مضافاً اینکه در برخی از این کشورها تخریب سیستم قضایی در طی جنگ، برپایی مجدد دادگاه های ملی را به تنهایی و بدون کمک جامعه بین المللی ناممکن ساخته بود. معهداً مجموع این عوامل سبب شد تا سازمان ملل به کمک آنها بشتابد و بدین طریق با تشریک مساعی یکدیگر با بی سزا ماندن جنایتکاران برخورد نمایند.^۸

یکی از کشورهایی که پس از جنگ داخلی با این مشکلات مواجه شده بود، کشور سیرالئون می باشد. موانع و مشکلات موجود بر سر راه دولت و مردم کشور سیرالئون و طولانی شدن مخاصمه ی داخلی در این کشور سبب شد تا دولت مزبور برای محاکمه ی متهمان به ارتکاب جنایات در سیرالئون و همچنین رهایی از شعله ور شدن مجدد جنگ، دست نیاز به سوی سازمان ملل متحد دراز کند و خواهان بر خورد با مسئولین اصلی ارتكاب جنایات بین المللی در این کشور گردد، که سرانجام با مساعدت سازمان ملل متحد به این خواسته خود نائل گشت و با تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون نمونه ی

^۵ آنتونیو کاسسه، حقوق بین الملل کیفری، ترجمه حسین پیران، اردشیرامیرارجمند و زهرا موسوی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۶، ص ۴۲۴.

^۶ Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *Internationalized Criminal Courts and Tribunals: Sierra Leone, East Timor, Kosovo and Cambodia*, Oxford University Press, Oxford, 2004, p.15.

^۷ Steven D. Roper, Lilian A. Barria, *Designing Criminal Tribunals: Sovereignty and International Concerns in the Protection of Human Rights*, Ashgate, London, 2006, p.29.

^۸ Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, op.cit, pp.12-13.

بی نظیری از دادگاه های بین المللی کیفری را به نمایش گذاشت.⁹

در پایان باید گفت، هدف تمامی محاکم کیفری بخصوص دادگاه ویژه سیرالئون، مبارزه با بی کیفری و پایان دادن به مصونیت رهبران سیاسی و نظامی است که در زیر چتر مصونیت شخصی و یا شغلی خود و یا اعطای عفو از سوی دولت به آنها، از زیر بار مسئولیت کیفری اعمال خود می گریزند. به همین خاطر با وجود تأکید قواعد حقوق بین الملل عرفی بر رعایت مصونیت مقامات دولتی، کلیه ی دادگاه های بین الملل کیفری با گنجاندن اصل مسئولیت کیفری فردی در اساسنامه های خود خط بطلانی بر دکرین مصونیت مطلق کشیدند و از آن پس دیگر مصونیت را نسبت به ارتکاب جنایات بین المللی مورد پذیرش قرار ندادند. متعاقباً این رویه از سوی دادگاه ویژه سیرالئون نیز مورد توجه و تعقیب قرار گرفت و با درج اصل مسئولیت کیفری فردی در اساسنامه ی خود، در کنار سایر اصول حقوق بین الملل کیفری، گام بزرگی در محاکمه ی رهبران سیاسی و نظامی جنایتکار برداشت و با این اقدام خود مهر تأییدی بر عملکرد محاکم کیفری سابق در پایان دادن به مصونیت جنایتکاران بین المللی زد.

سوالات

سؤال اصلی: فلسفه ایجاد و ماهیت دادگاه های مختلط علی الخصوص دادگاه ویژه سیرالئون

چیست؟

سؤال فرعی: آیا آراء صادره از دادگاه ویژه سیرالئون به عنوان دادگاهی مختلط تأثیری در توسعه

و تحول حقوق بین الملل کیفری از جمله مبارزه با بی کیفری دارد؟

فرضیه ها

فرضیه اصلی: ضرورت و احساس نیاز جامعه ی بین المللی در مبارزه با بی کیفری و پیشگیری از

تکرار جنایات بویژه تشفی خاطر قربانیان، مضافاً ناتوانی سازمان ملل متحد برای تشکیل مجدد دادگاه

های صرفاً بین المللی، فلسفه ایجاد این دادگاه ها با ماهیت ملی و بین المللی می باشد.

فرضیه فرعی: بله آراء صادره از دادگاه ویژه سیرالئون تأثیر مثبتی در منطقه و جهان در مسیر توسعه

و تحول حقوق بین المللی کیفری از جمله مقابله با بی کیفری دارد.

پیشینه ی تحقیق

با توجه به جدید بودن موضوع شکل گیری دادگاه های مختلط از جمله دادگاه ویژه سیرالئون،

⁹Geert-Jan Alexander Knoops , *Theory and Practice of International and Internationalized Criminal proceedings* , Kluwer Law International , Netherland , 2005 , pp. 331-333.

منابع فارسی که به این مسئله پرداخته باشند اندک است.^{۱۱} و لذا بیشتر منابع مربوطه خارجی هستند که اکثرشان به بررسی جامع و کامل مبنای تأسیس و ساختار تشکیلاتی این محاکم پرداخته اند.^{۱۱} اما هیچ کدام از منابع داخلی و خارجی به طور مستقل و مجزا به فلسفه (هدف، علت و مشکلات) تأسیس دادگاه های مختلط بالاخص دادگاه ویژه سیرالئون توجه ویژه ای مبذول نداشته اند.

اهداف تحقیق

نگارنده در این تحقیق در نظر دارد تا مبنای حقوقی دادگاه ویژه سیرالئون را به عنوان یک دادگاه مختلط در مقایسه با سایر دادگاه های بین المللی مورد تحلیل قرار دهد. در این راستا با تشریح هدف و علت تأسیس دادگاه های مختلط، فلسفه ایجاد دادگاه مذکور را نیز بازگو می کند. در بخش دوم نیز صلاحیت و عملکرد دادگاه را در مبارزه با بی کیفی بررسی خواهد نمود.

شناسایی متغیرها

۱- دادگاه مختلط: از این دسته از محاکم تحت عناوین دیگری مانند دادگاه های دوگانه یا بین المللی شده یاد می شود.^{۱۲} علت انتخاب این عناوین ناشی از ترکیب مختلط هر دو عناصر ملی و بین المللی از جمله قوانین و قضات ملی و بین المللی می باشد که آنها را از دادگاه های صرفاً ملی یا بین المللی مجزا می سازد. در ضمن میان خود محاکم مختلط نیز تفاوت های مبنایی وجود دارد که در مورد برخی جنبه ملی و برخی جنبه بین المللی آن بیشتر است.^{۱۳}

۲- دادگاه ویژه سیرالئون: در پی درخواست رئیس جمهور کشور سیرالئون از سازمان ملل متحد برای تأسیس یک دادگاه بین المللی و محاکمه ناقضین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، شورای امنیت در ۱۴ آگوست ۲۰۰۰ قطعنامه ۱۳۱۵ را صادر نمود که به موجب این قطعنامه مذاکراتی پیرامون انعقاد یک موافقتنامه میان دو طرف صورت پذیرفت. سرانجام موافقتنامه تأسیس دادگاه مزبور به تأیید طرفین رسید و دادگاه در ۱۲ آوریل ۲۰۰۲ با لازم الاجرا شدن موافقتنامه، کار خود را آغاز کرد.^{۱۴}

^{۱۱} مصطفی فضائلی، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.

^{۱۱} Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K. Kleffner, *Internationalized Criminal Courts and Tribunals: Sierra Leone, East Timor, Kosovo and Cambodia*, Oxford University Press, Oxford, 2004. ; William A. Schabas, *The UN International Criminal Courts: The Former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, Cambridge University Press, Cambridge, 2006.

^{۱۲} Mixed Tribunals - Hybrid Tribunals - Internationalized Tribunals.; Geert-Jan Alexander Knoops, op.cit, p.314.

^{۱۳} Ibid.; Yves Beigbeder, *International Justice Against Impunity, Progress and New Challenges*, Martinus Nijhoff Publishers, Netherland, 2005, p.127.

^{۱۴} Geert-Jan Alexander Knoops, op.cit, pp.331-332.

۳- مفهوم بی کیفری: بی کیفری در مفهوم حقوقی، یعنی به مجازات نرسیدن کسی که جرمی را مرتکب شده است. به دیگر سخن بی کیفری عبارت است از معافیت از مسئولیت، کیفر، مجازات یا مجازاتهای قانونی برای مرتکبان اعمال غیر قانونی.^{۱۵}

سازماندهی تحقیق

این تحقیق در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول به توضیح مبانی تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون و بخش دوم به صلاحیت ها و عملکرد دادگاه مذکور در مبارزه با بی کیفری اختصاص دارد. در مبحث نخست بخش اول، ابتدا به کلیات مربوط به اصل مسئولیت کیفری فردی در معاهدات و رویه های دادگاه های بین المللی و نیز تشکیل دادگاه های بین المللی کیفری برای مبارزه با بی کیفری می پردازیم. سپس جایگاه دادگاه های مختلط در حقوق بین الملل کیفری از جمله اهداف و عوامل و مشکلات آنها بررسی می شود. در مبحث دوم به طور اختصاصی به چگونگی شکل گیری دادگاه ویژه سیرالئون با مقدمه ای از علت آغاز مخاصمه داخلی در این کشور، مداخله جامعه ی اقتصادی کشورهای آفریقای غربی و انعقاد موافقتنامه ی صلح لومه که به موجب آن کمیسیون آشتی و حقیقت یابی را برپا کردند، اشاره ای خواهیم داشت و در گفتار دوم به تحلیل اقدامات دولت سیرالئون و سازمان ملل متحد و همچنین نقش مداخله کنندگان دیگر در ایجاد دادگاه ویژه مبادرت می ورزیم و در پایان این گفتار انعقاد موافقتنامه تأسیس دادگاه با بررسی مبانی حقوقی و ساختار حقوقی آن مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

مبحث اول از بخش دوم، با شرح صلاحیتهای دادگاه های مختلط آغاز می شود تا خواننده پیش از ورود به صلاحیت دادگاه ویژه ابتدا ذهنیت کلی از صلاحیت محاکم بین المللی مختلط پیدا کند. در ادامه رابطه دادگاه ویژه با کمیسیون آشتی و حقیقت یابی و همکاری طرفهای ثالث و نیز دادگاه های ملی سیرالئون با دادگاه بررسی خواهد شد. مبحث دوم نیز با تحلیل موانع بی کیفری در سیرالئون از جمله عفو و مصونیت متهمان و مواضع دادگاه ویژه، آغاز می گردد و متعاقباً با ضرورت سزادهی موارد نقض حقوق بشر در سیرالئون و محاکمه ی عاملین جنایات به پایان می رسد.

¹⁵M, Affliot, "Victimization Survival and Impunity of Forced Exile: a Case Study from Rwanda Genocide", *Crime Law Soc, Change*, vol.34, 2000, P.77.

بخش اول

مبانی تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون

مبحث اول: کلیات

با نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی بشر همواره شاهد جنگهای خونین میان کشورها به دلایل واهی بوده و هستیم. امروزه نیز با وجود تأسیس سازمان ملل متحد و توسعه حقوق بین الملل عرفی و معاهده

ای در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه همچنان شاهد نقضهای فاحش حقوق بشردوستانه از سوی عاملین جنایات می باشیم. نکته دردناکی که در این خصوص وجود دارد، ماهیت اصلی جنایتکاران می باشد، زیرا اکثر آنها رهبران سیاسی و نظامی کشورهای عضو ملل متحد هستند که برای کسب منافع و قدرت بیشتر حقوق انسانی اتباع سایر کشورها و حتی اتباع خود را نقض می کنند.

در طول یک قرن اخیر جامعه ی بین المللی نیز با مشاهده این وضعیت ساکت ننشسته و با برپایی دادگاه های بین المللی کیفری در برهه های مختلف زمانی، با اعمال اصل مسئولیت کیفری فردی و محاکمه رهبران خودکامه با بی کیفری به مبارزه برخاسته است. به همین خاطر در این مبحث به بررسی اقدامات جامعه ی بین المللی در خصوص اعمال اصل مسئولیت کیفری با هدف مقابله با بی سزایی از جمله تشکیل دادگاه های بین المللی کیفری بخصوص دادگاه های مختلط در کنار هدف و علت تأسیس آنها می پردازیم.

گفتار اول: مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین الملل

از نیمه دوم قرن بیستم این مسئله پذیرفته شد که ارتکاب برخی اعمال از منظر حقوق بین الملل، موجبات مسئولیت کیفری مرتکب آن اعمال را فراهم می سازد، لذا در این زمینه جامعه ی بین المللی اقدام به تدوین معاهدات متعدد نمود و همچنین از طریق محاکم ملی و بین المللی صالح اقدام به تعقیب و محاکمه مرتکبین آن اعمال نمود.^{۱۶} «ارتباط اصل مسئولیت کیفری فردی با مسئله ممانعت از بی سزا ماندن جنایتکاران در زمان جنگ جهانی دوم و سپس ارتباط آن با صلح و امنیت بین المللی در اوایل دهه ی نود، منجر به تشکیل دادگاه های بین المللی نظامی نسل اول یعنی نورمبرگ و توکیو و دادگاه های نسل دوم یعنی دادگاه های بین المللی یوگسلاوی و رواندا شد و متعاقباً زمینه ی تأسیس دیوان بین المللی کیفری و دادگاه های مختلط را فراهم آورد. منطق ایجاد چنین دادگاه هایی رسیدگی به موارد نقضهای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و پیشگیری از بدون مجازات ماندن جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، ژنوسید^{۱۷} و سایر جنایات بین المللی به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین

^{۱۶} مصطفی فضائی، همان، ص ۱۲۱.

^{۱۷} معادل این کلمه به انگلیسی (Genocide) می باشد که در زبان فارسی به اشکال گوناگونی ترجمه شده است. نخستین بار در قانون اجازه الحاق ایران به معاهده منع کشتار جمعی (ژنوسید) مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰ از کلمه کشتار جمعی استفاده شد. کلمات دیگری نظیر قتل عام نژادی، نژادکشی (آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی) انهدام جمعی (محقق داماد، سیدمصطفی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸) و نسل کشی نیز در برخی کتب مورد استفاده قرار گرفته که هیچ یک با توجه به (ادامه پاورقی در صفحه بعد) تحولات اخیر در عرصه ی بین المللی، به طور جامع تعبیر رسایی، برای این مفهوم به شمار نمی آیند. به نظر می رسد واژه نسل زدایی که ظاهراً اولین بار توسط دکتر سیدعلی آزمایش بکار رفته، مناسبتر باشد. رک: کریانگ ساک کیتی شیایزری، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۳۷-۱۳۶. مع الوصف نگارنده باتوجه به نبود ترجمه جامع و کامل از واژه Genocide، معادل واژه ژنوسید را در این پایان نامه بکار می برد.

المللی می باشد».^{۱۸} در این میان تعهد دولتها به رسیدگی و تعقیب مسئولین جنایات نیز مورد تأکید واقع شده است. بدون تردید ارتکاب جنایات بین المللی علیه غیر نظامیان و بدون مجازات ماندن عاملین آن، علت اصلی درج اصل مسئولیت کیفری فردی در اسناد بین المللی از جمله اساسنامه های دادگاه های بین المللی کیفری می باشد. بر همین اساس در این گفتار ابتدا به بررسی مفهوم اصل مسئولیت بین المللی کیفری فردی و سپس به نقش این اصل در معاهدات و اساسنامه های دادگاه های بین المللی کیفری می پردازیم.

الف) اصل مسئولیت بین المللی کیفری فردی

مسئولیت کیفری فردی حاصل اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. هیچ فعل یا ترک فعلی را چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل نمی توان جنایت محسوب کرد، مگر به موجب قوانین حقوق بین الملل، لذا تنها در نتیجه افعال نامشروع و خلاف بین المللی است که فعل ارتكابی، جنایت بین المللی خوانده می شود و متعاقب آن مسئولیت بین المللی کیفری به فرد منتسب می شود، در نتیجه امکان محاکمه وی در یک دادگاه ملی یا بین المللی فراهم می گردد.^{۱۹}

همانطور که می دانیم هر نظام حقوقی نیازمند یک سلسله اصول عمومی است که جهت کلی آن نظام را تعیین می کند. این اصول، ابزاری برای تفسیر قوانین حقوقی می باشد و محاکم نیز برای رفع خلاء موجود در قواعد مدون یا عرفی حاکم از آنها یاری می طلبند. در این بین اصول عمومی ناظر بر حقوق بین المللی کیفری به عنوان شاخه ای از حقوقی بین الملل عمومی از بسیاری از جهات با اصول عمومی حاکم بر سایر بخش های حقوق بین الملل عمومی، یکسان می باشد، لکن باید اعتراف کرد که با توجه به خصایص منحصر به فرد و اهداف حقوق بین الملل کیفری، اصول عمومی حقوق بین الملل برای این شاخه ی حقوقی کافی نیست، فلذا نیازمند اصول خاصی است که با مقاصد آن هماهنگ تر باشد،^{۲۰} وانگهی حقوق بین الملل کیفری هنوز به درجه کمال حقوق کیفری داخلی نرسیده است، در نتیجه اصول خاص مورد بحث با آثار و عواقب خود، هنوز در سطح بین المللی قابل اعمال نیست. با وجود این گاهی اوقات شاهد پذیرش محدود و مشروط برخی از این اصول در حقوق بین الملل می باشیم.^{۲۱} یکی از این اصول، اصل مسئولیت کیفری فردی می باشد که به مرور زمان با درج در اسناد بین المللی جایگاه ویژه ای در حقوق بین الملل کیفری یافته است. پیش از ورود به بحث مسئولیت کیفری فردی باید به این سؤال پاسخ داد که آیا افراد در حقوق بین المللی طرف حق و تکلیف هستند تا بتوان

^{۱۸} مصطفی فضائلی، همان، ص ۵۷.

^{۱۹} زهرا کسمتی، «اصول انتساب مسئولیت کیفری فردی در چارچوب اساسنامه دیوان بین المللی کیفری»، رساله دکترای حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۹.

^{۲۰} آنتونیو کاسسه، همان، ص ۱۶۱.

^{۲۱} همان.

در صورت نقض قواعد حقوق بین الملل مسئولیتی برایشان متصور شد.^{۲۲} برای مدتهای مدیدی مسئولیت دولتها در قبال نقض های حقوق بین المللی، تنها ناظر به مسئولیت مدنی بود، تا آنکه طرح مسئولیت کیفری آنها توسط کمیسیون حقوق بین الملل به میان آمد و کمیسیون مزبور در پیش نویس طرح مسئولیت دولتها، مسئولیت کیفری آنها را در قالب ماده ۱۹ تدوین نمود. کمیسیون در این طرح علاوه بر تدوین مسئولیت مدنی دولتها، پیشنهاد کرده بود که جنایات تجاوز، برده داری، ژنوسید و آپارتاید، منجر به مسئولیت کیفری کشورها شوند، اما همانطور که می دانیم این ایده از سوی دولت ها پذیرفته نشد و با حذف ماده ۱۹ از طرح مزبور، عملاً طرح مسئولیت کیفری دولت متنفی گردید و فقط مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی توسعه چشمگیری در حوزه حقوق بین الملل یافته است.^{۲۳}

لازم به ذکر است که تا یک قرن پیش دولتها تنها تابعان حقوق بین الملل تلقی می شدند و اشخاص حقیقی به عنوان تابعان حقوق بین الملل مورد توجه نبودند و طرف حق و تکلیف واقع نمی شدند،^{۲۴} ولیکن امروزه این رویکرد تغییر کرده و اشخاص نیز موضوع حق و تکلیف بین المللی قرار می گیرند، لذا هر جا سخن از تعهدات اشخاص حقیقی باشد، سخن از تخلف و مجازات آنها هم خواهد بود.^{۲۵} با اتخاذ این رویکرد توسط جامعه ی بین المللی، دولتها، سازمان های بین المللی و حقوقدانان بر ضرورت مسئولیت افراد به دلیل ارتکاب اعمال ناقض حقوق بین الملل بشر توسط آنها، تأکید دارند و اغلب مکانیسمی را توصیه می کنند که محاکمه و مجازات اشخاص متخلف را در پی داشته باشد.^{۲۶} مبنای مشترک این نظر آن است که حقوق بین الملل بویژه حقوق بین الملل کیفری و قواعد ماهوی و شکلی آن به عنوان بازوی مسلح حقوق بین الملل در دفاع از نظم عمومی، تعهدات بین المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می گیرد^{۲۷} و متقابلاً نیز تعهداتی را از آنها مطالبه می نماید. در اصل در نظام حقوق بین الملل، مسئولیت فرد به طور مستقیم مطرح می شود و این مسئولیت نیز با اخذ عنوان کیفری، امکان محاکمه و مجازات افرادی را که مرتکب نقض قواعد حقوق بشری شده اند، فراهم می آورد.^{۲۸} پس شکی نیست که افراد می توانند موضوع سیستم حقوق بین الملل قرار گیرند. به طور مثال گاهی

^{۲۲} ژاک فرانسون، «جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت»، ترجمه محمدعلی اردبیلی، مجله حقوقی، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۵، ص ۲۳۳.

^{۲۳} Yittha Smbeye, *Immunity and International Criminal Law*, Athenaeum press, Ltd., Gateshead, Published by Ashgate, London, 2004, p.67.

^{۲۴} Ibid.

^{۲۵} سید نصرالله ابراهیمی، «درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه آن»، مجله حقوقی، شماره ۲۳، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶.

^{۲۶} Steven R. Ratner and Jason S. Abrams and James L. Bischoff, *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law*, Oxford University Press, Oxford, 2009. p.3.

^{۲۷} علی حسین نجفی ابرند آبادی، همان، ص ۱۷۱.

^{۲۸} جمشید ممتاز و امیر حسین رنجریان، *حقوق بین الملل بشر دوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶.

اشخاص به طور مستقیم و بدون مداخله شخصیت های حقوقی از جمله کشورها و یا سازمان های بین المللی موضوع حقوق بشر بین المللی واقع می شوند. این اشخاص غالباً رؤسای دولتها یا کارگزاران آنها هستند که ممکن است بخاطر نقض قواعد و مقررات بین المللی، موجبات مسئولیت کیفری خود را به عنوان مباشر و یا آمر جرم فراهم سازند.^{۲۹}

هدف حقوق بین الملل کیفری به عنوان بهترین بازدارنده، شخص حقیقی است، فلذا امروزه این امر به صراحت به رسمیت شناخته شده است که افراد نیز در صورت ارتکاب جنایت بین المللی متحمل مسئولیت کیفری می شوند.^{۳۰} حقوق بین الملل کیفری این واقعیت را مبنا قرار داده است که هرگونه نقض قواعد حقوق بین الملل نهایتاً به یک فرد انسانی قابل انتساب است و مانع از این می شود که فرد تحت لوای حاکمیت دولت از مسئولیت تخلف خود، مصون بماند.^{۳۱} باید متذکر شد که ارتکاب جنایت در صحنه بین المللی بیشتر با دستور یا اغماض مقامات مافوق اتفاق می افتد و غالباً چنین است که یا رهبران سیاسی و نظامی و یا مقامات دون پایه به سبب تساهل یا عدم ممانعت مافوق اجازه ارتکاب جنایت را به خود می دهند.^{۳۲} شکل گیری مسئولیت در روابط آمر و مأمور به تدریج در آراء دادگاه های بین المللی در قالب قواعد بین المللی ظهور یافت. مطابق این رویه ها، زیر دست به دلیل تبعیت از دستور مافوق از مجازات معاف نمی شود و آمر نیز نسبت به نحوه و هدایت اجرای دستور توسط مأمور و همچنین کوتاهی از کنترل و ممانعت از ارتکاب جنایات توسط وی مسئول محسوب می گردد،^{۳۳} بدین سبب بر پایه اصل مزبور امکان محاکمه ی تمام کسانی که در ارتکاب جنایات دخیل بودند، فارغ از مقام و موقعیت رسمی آنها فراهم می شود که این از سودمندترین ثمرات این اصل است که خود ثمره جدا کردن حساب دولت از اشخاص حقیقی برخوردار از اختیار می باشد که خود شخصاً عهده دار وظایف سیاسی هستند. «حقوق بشردوستانه نیز یکی از زمینه های اصلی طرح این نوع مسئولیت فردی در حقوق بین الملل است، لذا این حقوق نه فقط دولتها بلکه افراد را نیز متعهد به اجرای آن می کند. به عبارتی حقوق بشردوستانه هر فرد را به تنهایی مسئول رعایت مقررات می داند، در نتیجه کیفر دادن کسانی که از قواعد بشردوستانه تخطی می کنند، ضرورتی انکار ناپذیر تلقی می شود، زیرا برای اجرای مؤثر این قواعد لازم است تا هر فردی که در مخاصمات شرکت دارد، از مسئولیت کیفری فردی ناشی از نقض این قواعد آگاهی داشته باشد. به همین خاطر حقوق بشردوستانه در کنار قواعد نظارت مربوط به دولتها، برای اجرای مؤثر آنها نیز قاعده ای کلی وضع می کند که متخلفین باید در

^{۲۹} همان؛ سید نصرالله ابراهیمی، همان، ص ۱۵۵.

^{۳۰} Yitiha Simbeye, op. cit, p. 67.

^{۳۱} Gerhard Werle, *Principles of International Criminal Law*, T.M.C. Asser Press, Hague, 2005, pp.35-36.

^{۳۲} آنتونیو کاسسه، همان، ص ۲۵۳.

^{۳۳} محمد علی اردبیلی، *حقوق بین الملل کیفری*، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۴۶.

قبال نقض های حقوق بشردوستانه چه در مخاصمات بین المللی و چه داخلی در دادگاه های ملی و بین المللی صالح مطابق با قواعد حقوق بشردوستانه محاکمه شوند.^{۳۴} لذا از آنچه گذشت چنین بر می آید که توسعه قواعد حقوق بین الملل در خصوص مسئولیت کیفری فردی، مرهون تلاش های جامعه ی بین المللی در تدوین اسناد و رویه های محاکم بین المللی می باشد که نهایتاً اعتقاد انسان قرن بیستم را به مسأله ی جنایات بین المللی و تأسیس محاکم بین المللی راسخ تر نمود و زمینه ساز ایجاد نسل نوینی از دادگاه های کیفری در قرن بیست و یکم شد.^{۳۵}

ب) مسئولیت بین المللی کیفری فردی در معاهدات

پس از تشکیل سازمان ملل متحد دو تجربه جامعه ی بین المللی از تأسیس دادگاه های نورمبرگ و توکیو سبب شد تا مجمع عمومی ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ اصول و آراء این دو دادگاه را مورد تأیید قرار دهد و بدین منظور کمیسیون حقوق بین الملل را مأمور تدوین پیش نویس طرح جنایات علیه صلح و امنیت بشری کند. کمیسیون نیز در این راستا اصل مسئولیت کیفری فردی مقامات و مأموران دولتی مندرج در اساسنامه های دادگاه های مذکور را صرف نظر از مقررات حقوق داخلی در فصول ۳ و ۴ در پیش نویس طرح مزبور گنجانند،^{۳۶} از این رو ماده ۱ پیش نویس با اشاره به شخصی بودن مجازاتها بدون اعلام صریح اصل مسئولیت کیفری فردی، مصادیق آن را در شمار جنایات علیه صلح و امنیت بشری قرار می دهد که در اصل الگو برداری از منشور نورمبرگ می باشد. همچنین ماده ۳ پیش نویس نیز به مسئولیت رئیس دولت و مقام حکومتی اشاره می کند.^{۳۷} بعلاوه مواد ۱ تا ۱۴ موضوع بخش اول پیش نویس جنایات علیه صلح، اصول جزایی عمومی را مدنظر قرار داده است. لازم به ذکر است که بند ۱ ماده ۳ این پیش نویس تحت عنوان مسئولیت و مجازات، مقرر می کند که هر فردی که مرتکب جنایت علیه صلح و امنیت بین المللی گردد، مسئول و مستوجب مجازات می باشد.^{۳۸} به این ترتیب این بند ناظر به مسئولیت کیفری فردی به لحاظ ارتکاب یکی از جنایات بین المللی بر ضد صلح و امنیت بین المللی می باشد، ولیکن به دلیل موانع موجود بر سر راه کمیسیون، صحبتی از مسئولیت کیفری دولت نمی شود، در نتیجه اگر فرد به عنوان عامل دولت و یا بدون مجوز قانونی، مرتکب یکی از جنایات پیش بینی شده در این طرح شود، جنایت به دولت منتسب می شود و در نهایت موجب مسئولیت مدنی دولت فراهم می گردد. لذا در ماده ۵ این پیش نویس مقرر می گردد که تعقیب یک

^{۳۴} رک: جمشید ممتاز و امیر حسین رنجبریان، همان، صص ۱۸۷-۱۸۶.

^{۳۵} سید نصرالله ابراهیمی، همان، ص ۱۵۷.

^{۳۶} علی حسین نجفی ابرندآبادی، همان، ص ۱۷۹.

^{۳۷} زهرا کسمتی، همان، ص ۴۶.

^{۳۸} همان، ص ۱۸۴.